ادامه از صفحه ۱۶

مهارت نوشتاری: ضرورتی مغفول در آموزش عالی علوم انسانی

A Manual for Writers of Term Papers, Theses, and Dissertations، رتبه ۱۳

A Manual for Writers of Dissertations، رتبه ۳۰

MLA Handbook for Writers of Research Papers، رتبه ۳۴

A Pocket Style Manual، رتبه ۳۵

برخلاف تصور اولیه ما، اولین کتاب در زمینه روش تحقیق در علوم انسانی، با عنوان «Methods in Behavioral Research» در رتبه‌ای بسیار دورتر (رتبه ۴۶) قرار دارد.

این وضعیت نشان می‌دهد آموزش مهارت نوشتاری، یکی از کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین مهارت‌های تحصیلی است که دانشجو در نظام آموزش عالی این کشورها باید بیاموزد. بنابراین (صرف‌نظر از بعضی نکات و عوامل دیگر)، تعجب‌آور نیست که این کشورها، به‌ویژه آمریکا، از پیشروان عرصه تولیدات علمی جهانی باشند و عجیب نیست که می‌بینیم انواع محصولات فرهنگی و رسانه‌ای آنها به طور گسترده‌ای در جهان شناخته و مصرف شود. همه این محصولات به طور عمده متکی به متن‌های مکتوب از قبیل رمان، سناریو، خبر، تحلیل و... است که مستلزم مهارت‌های نگارشی متنوعی است، یا نیازمند مهارت‌هایی است که از طریق نگارش به جامع‌ترین شکلی پرورش می‌یابد، ازجمله تفکر نظام‌مند و تفکر انتقادی؛ هرچند پیامدهایی بسیار فراتر از تولیدات علمی، فرهنگی و هنری نیز برای نوشتن می‌توان متصور شد. نوشتن و عادت به نوشتن، چه با اهداف شخصی و چه در چارچوب نهادی (مانند فعالیت‌های حرفه‌ای)، عامل مهمی برای نظم ذهنی فرد و نظم عینی (مستندسازی و نظم‌دهی به امور) است. در واقع نوشتن ابزار مهمی برای نظم‌دادن به اندیشه، خلق، تنظیم، انتقال و نشر ایده، نقد و وارسی و انتظام‌بخشیدن به امور و اطلاعات است.

با وجود اهمیت شناخته‌شده مهارت نوشتاری و با وجود آنکه در سال‌های اخیر بسیاری از سیستم‌های ارزیابی عملکرد آکادمیک در ایران نیز مبتنی بر اندازه‌گیری محصولات نوشتاری استادان، پژوهشگران، دانشجویان و داوطلبان آزمون‌ها و مصاحبه‌های علمی است و تعداد مقاله‌ها، کتاب‌ها و گزارش‌های پژوهشی افراد، معیاری عینی برای سنجش عملکرد و صلاحیت افراد در حرفه‌های مختلف فکری محسوب می‌شود، برنامه‌های درسی در آموزش عالی ما هنوز به‌طور مشخص توجهی کافی به آموزش مهارت نوشتاری ندارند. درحال‌حاضر در دانشگاه‌های ما نوشتن آکادمیک حتی در رشته‌های علوم انسانی، معنای ویژه‌ای ندارد و به‌عنوان یک مهارت نیازمند آموزش و تمرین جدی، به رسمیت شناخته نمی‌شود. مفروض این است که «سواد خواندن و نوشتن»داشتن، مترادف است با قابلیت نوشتن متنی گویا، روان، منطقی، مستدل، منسجم و هدفمند؛ درحالی‌که واقعیت چنین چیزی را نشان نمی‌دهد! نوشتن آنچه به «مقاله« (پیپر) و «تحقیق» موسوم است، به‌طور گسترده‌ای در تکالیف درسی دانشگاهی ما وجود دارد؛ اما در برنامه درسی جایی برای «آموزش مهارت نوشتاری» دیده نشده است. ازهمین‌رو است که یک فارغ‌التحصیل کارشناسی یا مقاطع بالاتر، از نوشتن یک درخواست کوتاه، ساده و رسمی اداری، نوشتن یک گزارش شسته‌ورفته از یک جلسه، سخنرانی، بازدید، ملاقات، فرایند اجرای یک کار انجام‌شده یا در شُرف انجام، یا بیان مکتوب و منظم نظرات، دریافت‌ها و احساسات خود اغلب عاجز است. متن‌های دانشجویان و حتی دانش‌آموختگان علاوه بر ایرادهای املایی و دستوری، گاه گنگ و فاقد نظم و انسجام مفهومی است. این وضعیت مستلزم تغییر در برنامه درسی رسمی و توجه جدی و فعالانه مدرسان و دانشجویان است.

علاوه بر آنچه گفته شد، مهارت نوشتاری در رشته‌های علوم انسانی، اهمیتی دوچندان دارد که امید می‌رود نه‌تنها برنامه‌ریزان آموزشی، بلکه مدرسان و دانشجویان توجهی ویژه به آن مبذول دارند. آموزش نظام‌یافته و تمرین جدی مهارت نوشتاری، می‌تواند به‌طور مستقل ارائه شود، یا دست‌کم تا زمانی که وارد برنامه درسی نشده، به‌عنوان بخشی کلیدی از درس «روش تحقیق» در نظر گرفته شود. دانش‌آموختگان علوم انسانی، چه به‌عنوان محقق یا مدرس یا کنشگر عرصه عمومی، برای اثربخش‌بودن، ضروری است از سطح استانداردی از مهارت نوشتاری برای بیان ایده‌های خود برخوردار باشند.

در مجموع، سابقه و تجربه کشورهای پیشرو در جهان علم و محصولات فرهنگی، نشان می‌دهد مهارت نوشتاری از اصلی‌ترین مهارت‌هایی است که در نظام آموزشی محل توجه و تاکید است. رشد علمی دانشگاه‌های ایرانی و دانش‌آموختگان نیز منوط به توجه جدی‌تر به آموزش رسمی مهارت نوشتاری است.

پی‌نوشت:

[1] در ایران نیز در این زمینه تلاش‌هایی ابتدایی صورت گرفته است، ازجمله پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) در این زمینه فعال است.

***عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی**

بازی با جان مردم با نام طب اسلامی

شهرزاد همتی: همین چند ماه پیش بود که ویدئویی از مردی که خود را متخصص طب اسلامی معرفی می‌کرد، دست‌به‌دست می‌شد و فرزندش را واکسن نزده بود و می‌خواست با روش‌های عجیبی مثل گرفتن آب نخاع کودک که ادعا می‌کرد از دستورات طب اسلامی است، او را درمان کند. آن فیلم کوتاه واکنش‌های بسیاری را به‌همراه داشت و خیلی از افراد، آن فرد را کودک‌آزار نامیدند. مدت‌هاست کسانی با ادعای طب اسلامی بین گروهی از مردم برای خود جایگاهی دست‌وپا کرده‌اند و حالا مسئولان وزارت بهداشت به موضوع ورود کرده و صریحا می‌گویند چیزی به‌نام طب اسلامی نداریم و اینها همه و همه بازی با اعتقادات مردم است.

دو روز پیش بود که مدیرکل دفتر طب سنتی وزارت بهداشت، تأکید کرد موضوعی به‌نام طب اسلامی نداریم. دکتر محمود خدادوست، با اشاره به انجام مطالعه‌ای درباره صحت ادعاهایی درباره «طب اسلامی» گفت: کارگروه نظام سلامت در اسلام، که مدتی است در دفتر طب ایرانی وزارت بهداشت تشکیل شده، مدت سه سال روی موضوع طب ایرانی بررسی کارشناسی انجام داده است. ما برای تعیین تکلیف این موضوع به مراجع تقلید و حدیث‌شناسان پژوهشکده علوم قرآنی مراجعه کردیم. نتیجه تمام این بررسی‌ها این بود که ما موضوعی به‌نام طب اسلامی نداریم. روز گذشته نیز سخنگوی وزارت بهداشت با تأیید سخنان خدادوست در نشست خبری، در پاسخ به سؤالی درباره موضع وزارت بهداشت درباره طب سنتی اسلامی، با بیان اینکه در این زمینه بررسی‌های کامل و جامعی انجام شده، به سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: ایشان در سیاست‌های ابلاغی چه نامی روی طب سنتی گذاشته‌اند. در سیاست‌های کلی سلامت طب سنتی با عنوان «طب سنتی ایرانی» آورده شده و کلمه اسلامی وجود ندارد. ما در این زمینه نظرمان مشخص است. البته در اینکه ائمه ما قادر به کرامت و شفاعت هستند، شکی نیست. اینکه ائمه ما می‌توانستند بیماران را شفا دهند و معجزه داشتند، مسئله جداگانه‌ای است اما ما با علم بشری و روز دنیا صحبت می‌کنیم. درعین‌حال علمای اسلام درباره احادیث طبی اظهارنظرهای متفاوتی انجام داده‌اند؛ به‌طوری‌که گفته شده برخی از این احادیث سند درستی ندارند یا اکثرشان مربوط به حوزه پیشگیری و سبک زندگی است. باید بدانیم که ائمه ما در زمان خودشان هم به طبیب مراجعه می‌کردند و از علم روز آن زمان استفاده می‌کردند. باید پرسید آیا اگر بوعلی‌سینا در زمان کنونی بود، بر اساس کتاب خودش کار می‌کرد؟ بوعلی سینا از قرون گذشته مواردی را می‌دانست که بر اساس علم و تجربه تقریبا همه آنها را دگرگون کرد.

تلاش خبرنگار روزنامه «شرق» برای گفت‌وگو با متخصصانی که خود را خبره طب اسلامی معرفی می‌کنند، به جایی نرسید. آنها به گفته منشیان خود یا به سفر تحقیقاتی رفته بودند، یا باید با روابط عمومی‌شان صحبت می‌شد، یا اینکه اصلا وزارت بهداشت را حائز صلاحیت برای سخن‌گفتن درباره طب اسلامی نمی‌دانستند. فردی که او را به‌نام حکیم میثم می‌شناسند، در چند کلمه کوتاه به «شرق» گفت: «وزارت بهداشت، شیطانی شده. طب اسلامی پدر همه علم‌هاست و برای اینکه وزارت بهداشت به‌راحتی بتواند کشت‌وکشتار کند، می‌خواهد این‌گونه ما را زیر سؤال ببرد».

اما مسئله‌ای که وجود دارد، این است که طب سنتی و اسلامی چه ربطی به هم دارند؟ درحالی‌که در دانشگاه‌های کشور رشته طب سنتی تدریس می‌شود، اینکه پزشکان طب اسلامی در معرفی خود از متخصص طب سنتی

استفاده می‌کنند، چطور می‌تواند توجیه‌پذیر باشد؟

دکتر محمود خدادوست رئیس مرکز طب سنتی وزارت بهداشت در گفت‌وگو با «شرق» به تفاوت طب اسلامی و سنتی اشاره کرده و گفت: «طب سنتی امروز مصوب شده است و می‌توانیم به آن طب ایرانی بگوییم. طب ایرانی یا طب سنتی ایرانی شامل درمان‌های متعددی است. قدم اول درمان سنتی ایرانی مطابق کتاب قانون تدبیر است. تدبیر یعنی اصلاح سبک زندگی. قدم دوم درمان استفاده از دارو است که منظور داروهای گیاهی است. قدم سوم درمان یداوی است. درمان یداوی مثل حجامت، زالودرمانی، ماساژ و ... اینها روش‌های درمانی سنتی ایرانی هستند. اینکه عده‌ای روش‌های درمانی طب سنتی یا ایرانی را به اسم طب اسلامی به خورد مردم می‌دهند، در واقع دارند از باورهای اعتقادی و دینی مردم استفاده می‌کنند. اینها قبل از اسلام هم بوده است، چون بخش عمده‌ای از طب ایرانی ما قبل از اسلام تحت عنوان طب یونانی استفاده می‌شده. همین الان هم طب سنتی ما تحت عنوان طب یونانی مشهور است».

او در ادامه افزود: «واژه‌ای به‌نام طب اسلامی با رویکردهای متفاوتی امروزه مطرح است و از این واژه استفاده می‌شود. یک عده همان طب سنتی ایرانی را به دلیل اینکه در دوران تمدن اسلامی به اوج شکوفایی رسیده بود، طب اسلامی می‌خوانند. در واقع این همان طب سنتی ایرانی است که دوران شکوفایی‌اش مربوط به دوران تمدن اسلامی است.»

خدادوست در ادامه با اشاره به دسته سوم تصریح کرد: «دسته سوم کسانی هستند که معتقدند از روایات منسوب به ائمه اطهار ما می‌توانیم یک مکتب و یک نظام طبی ایجاد و از آن برای سلامت مردم استفاده کنیم که البته با توضیحی که در بند دو دادم، اگر نگاه اخباری‌گری از یک روایت طبی داشته باشیم قطعا، هم به سلامت مردم آسیب می‌زنیم، هم به دین مردم آسیب می‌زند؛ به‌عنوان‌مثال اگر ما در یک روایتی داشته باشیم که خوردن هفت عدد خرما برای تأمین سلامتی بدن مناسب است یا در روایت دیگر این تعداد به پنج خرما برسد و روایت دیگری بگوید سه عدد خرما کفایت می‌کند، اینجا در نگاه مثبت با فرض بر اینکه سند این روایت از طریق علم رجال ثابت شده باشد و درست باشد، دوم با علم دلالی، دلالت روایت هم ثابت شده باشد، در اینکه ما چه تعداد خرما و چه نوع خرمایی را استفاده کنیم و اینکه در چه سنی، چه جنسی، چه اقلیمی و خیلی از این متغیرهای دیگر، پس قطعا با فرض بر اینکه سند یک روایت درست باشد، برای تعمیم به زمان و مکان امروز و برای استفاده مردم امروز و چه میزان استفاده شود، قطعا نیازمند کار پژوهشی است؛ یعنی ما نمی‌توانیم به استنباط شخصی از یک روایت بپردازیم».

رئیس مرکز طب سنتی وزارت بهداشت با تکذیب مجدد وجود شاخه طب اسلامی گفت: «ما در روایت داریم سیاه‌دانه برای قوه هاضمه خوب است و قطعا هم خوب است. چه‌بسا روایات طبی مستندی هم داشته باشد، اما چه میزان سیاه‌دانه برای قدرت هضم خوب است؟ آیا در هر فرد میزان آن یکسان است؟ هربار چقدر باید استفاده شود؟ این نیازمند آن است که ما روی روایات کار پژوهشی کنیم که مقدارش دربیاید. بسیاری از بیماری‌های نوپدیدی را داریم که برای آنها روایتی نداریم. حتی با فرض اینکه بپذیریم، آن عده مدعیانی که می‌گویند ما ۱۱ هزار روایت مستند طبی داریم حرفشان درست باشد، سندش هم درست باشد، برای بسیاری از بیماری‌های نوپدید سندی نداریم. پس استفاده ابزاری از روایات طبی نگاه و رویکرد اخباری از روایات طبی دین و سلامت مردم را در خطر قرار می‌دهد. از آن مهم‌تر مگر رسالت اسلام طب بوده است؟ اگر رسالت اسلام این‌گونه بوده، پس چرا زمانی که حضرت علی (ع) ضربت شمشیر می‌خورند، سه معصوم حاضر؛ یعنی امام حسن و امام حسین و حضرت علی(ع) برای درمان اقدام نکردند؟ و چرا سراغ طبیبی رفتند که از قضا غیرمسلمان بود؟ روایت معروف دیگری داریم که خدمت پیامبر در مدینه رفته‌اند و اظهار بیماری کرده‌اند و پیامبر فرد را به طبیب حارث بن کلده ارجاع دادند که او هم مسلمان نبود. اگر رسالت اسلام طبابت بود، پس باید آنها همه یک مریض‌خانه و شفاخانه داشتند و طبابت می‌کردند». وی در پایان خاطرنشان کرد: «نکته سوم اینکه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه یانا لکل شی، می‌گوید: قرآن همه‌چیز را گفته است، اما تفسیر آقای طباطبایی زیباست. ایشان می‌گوید قرآن همه‌چیز را برای هدایت انسان گفته است چون وظیفه قرآن و اسلام هدایت انسان است. بنابراین چیزی از هدایت را فروگذار نکرده است اما معنایش این نیست که قرآن و روایات راجع به انرژی هسته‌ای و فیزیک و شیمی گفته باشند چون رسالت این نبود. آیا راجع به انرژی هسته‌ای روایت داریم؟ آیا انرژی هسته‌ای اسلامی است یا غیراسلامی است؟ علامه طباطبایی درباره علوم دینی و غیردینی می‌فرمایند این به فلسفه علم بازمی‌گردد و جهان‌بینی. اگر جهان‌بینی ما توحیدی باشد همه علوم توحیدی می‌شود. آن‌وقت انرژی هسته‌ای را بر اساس مبانی شرعی و دینی رهبر انقلاب می‌فرمایند اگر انرژی هسته‌ای در خدمت مردم و سلامت مردم و رفاه حال استفاده شود اسلامی است، اگر برای کشت‌وکشتار استفاده شود حرام می‌شود».

از طرفی در گوشه‌وکنار بسیار شده‌اند افرادی که حتی بدون داشتن سواد کافی خواندن و نوشتن ادعای درمان‌های معجزه‌آسا دارند و به نام طب سنتی نسخه‌های چند صد هزارتومانی و گاه میلیونی به دست مردم می‌دهند. برخی دیگر که در سفره‌های مردم نفوذ کرده و به اسم طب سنتی و طب اسلامی و قرآنی ادعاهای عجیب‌وغریب مطرح کرده و از طریق فروش محصولات خود به کسب درآمدهای میلیاردی می‌پردازند. اینکه چرا هیچ‌یک از مراجع مسئول به پیگیری این مسائل و این‌گونه کلاهبرداری‌ها نمی‌پردازند موضوع مهمی است و جای سؤال دارد، اما اینکه مردم به‌راحتی تمام این حرف‌ها را باور کرده و در آن کلاس‌ها شرکت می‌کنند، برای درمان به آن طبیب‌نماها مراجعه می‌کنند و بر سر سفره‌شان محصولات آن شایعه‌پردازان را می‌گذارند، جای سؤال بزرگ‌تری است.

ماجرای طلب شهرداری از دولت همچنان ادامه دارد

چند هزار میلیارد؟

معصومه اصغری: دوره ۱۲ساله شهرداری محمدباقر قالیباف در دولت‌های نهم، دهم و یازدهم تمام شد؛ اما هیچ‌وقت معلوم نشد شهرداری تهران چقدر از این دولت‌ها طلب دارد و چقدر بدهکار است. این دو سؤال در این سال‌ها بارها و بارها پرسیده شده و مسئولان مختلفی در شهرداری تهران، دولت و مراجع نظارتی به آنها به عددهای متفاوتی جواب داده‌اند و آمار نفر قبلی را نفی و رد کرده‌اند و در آخر هم معلوم نشد کدام‌یک از این عددها درست است و بدهی و طلب چقدر است. استاندار تهران در آخرین اظهارنظر خود، روز گذشته دراین‌باره گفت: ۱۳هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان به شهرداری تهران در این سال‌ها کمک شده است. حسین هاشمی گفته است: «البته شهردار قبلی معتقد بود هیچ کمکی به آنها نکرده‌ایم؛ اما استانداری از محل درآمدهای خود همواره به شهرداری کمک کرده، می‌کند و خواهد کرد».

محمدباقر قالیباف در این سال‌ها به گفته خودش، بارها با بی‌مهری دولت در اجرای قانون، تخصیص اعتبارات به شهر تهران و پرداخت آنها مواجه شد و بارها و بارها نیز دراین‌باره صحبت کرد و با ادبیات متفاوت و مختلفی، سعی کرد با دولت روبه‌رو شود؛ اما در نهایت، موارد مهمی که دولت از سهم شهرداری‌ها کم کرده بود و وظایف روی زمین‌مانده‌ای که دولت‌ها باید برای شهرداری‌ها رها می‌کردند، انجام نشد. او خرداد ۹۶ در روزهای نزدیک به مرخصی خود و رفتن به رقابت‌های انتخاباتی، با تأکید گفت: دولت یازدهم یک ریال هم به شهرداری تهران پرداخت نکرده است. او در ادامه به یکی از مطالبات شهرداری‌ها از دولت اشاره کرد و گفت: قانون ارزش افزوده در سال ۸۵ تصویب شد؛ اما در این سال، بخشی از درآمدهای پایدار از شهرداری‌ها گرفته و به دولت داده شد. درآمدهای پایدار، عوارضی بود که مستقیم از مردم دریافت می‌کردیم؛ اما آن را از شهرداری‌ها گرفتند و تنها ۵۰ درصد آن را به ما دادند؛ اگرچه همین ۵۰ درصد هم به خزانه دولت‌ها ریخته می‌شود و بعد آن را به شهرداری پرداخت می‌کنند. امسال هم (سال۹۶) دولت یازدهم مصوبه‌ای را درباره درآمدهای پایدار به تصویب رساند که در آن، ۵۰ درصد از سه درصد مالیات بر ارزش افزوده‌ای را که به شهرداری‌ها به‌ویژه شهرداری شهرهای بزرگ تعلق می‌گرفت، کسر و به دولت‌ها دادند که همین امر مشکل ما را مضاعف کرد. او به تبادل مالی دولت و شهرداری در خرید اتوبوس برای شهر تهران اشاره کرد و گفت: اگر دولت مدعی است پولی به ما پرداخت کرده، اعلام کند. هرچند می‌گویند سه هزار میلیارد تومان پول به شهرداری تهران دادیم؛ اما خودشان بگویند کدام پول؟ آن پولی که هرساله به خزانه دولت واریز می‌شود، حق قانونی شهرداری‌ها است. همچنین بر اساس قانون، دولت وظیفه دارد ۶۰ درصد از عوارض جرائم راهنمایی‌ورانندگی را به شهرداری پرداخت کند؛ اما حتی یک ریال هم نداده و به همین دلیل ما به دیوان محاسبات کشوری شکایت کرده‌ایم. قالیباف با بیان اینکه دولت باید ۵۰ درصد از هزینه مترو را به شهرداری‌ها پرداخت کند، تصریح کرد: سال گذشته شهرداری تهران چهارهزارو ۴۰۰ میلیارد تومان برای ساخت مترو هزینه کرد که دوهزارو ۲۰۰ میلیارد تومان آن، سهم دولت بود؛ اما حتی برای آن هم به ما یک ریال پرداخت نکرد.قدرت‌الله گودرزی، معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران، هم در آخرین گزارش‌های خود به شورای چهارم اعلام کرد شهرداری تهران بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان از دولت طلب دارد. او گفت سند بدهی‌های دولت به شهرداری موجود است و شهردار منتخب تهران می‌تواند میزان بدهی‌ها را بر اساس این اسناد معتبر دریابد.جدای از این دو مسئول شهری، مسئولان دیگری هم که به نحوی در ارتباط با شهرداری تهران هستند، درباره این بدهی و طلب صحبت کرده‌اند. سیدکامل تقوی‌نژاد، رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور، بعد از اظهارات قالیباف، درباره طلب و بدهی بین دولت و شهرداری تهران، در توضیحاتی با اشاره به تأمین مالی شهرداری‌ها از سوی دولت از طریق واریز درصدی از وصولی مالیات بر ارزش افزوده به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور، اظهارات قالیباف را رد کرد.اظهارات او را علی ربیعی، وزیر کار دولت یازدهم، تکرار کرد و گفت: سازمان امور مالیاتی تا امروز بابت درآمد حاصل از مالیات بر ارزش افزوده و عوارض، به‌طور مستقیم ۶۰ هزار میلیارد تومان به شهرداری‌های کشور پرداخت کرده که ۱۷ هزار میلیارد تومان آن، مربوط به دولت قبل و ۴۳ هزار میلیارد تومان مربوط به دولت یازدهم است. او گفت شهرداری تهران از سال ۸۸ تا انتهای سال ۹۱، در مجموع، سه‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان از محل مالیات بر ارزش افزوده و عوارض از دولت دریافت کرده است؛ درحالی‌که این رقم در دولت یازدهم، ۱۱هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان است. همچنین شهرداری تهران بیش از شش هزار میلیارد تومان به بانک‌های دولتی بدهی دارد که عمده آنها غیرجاری است. علاوه بر این، اعضای شورای چهارم هم بارها عددهای مختلفی را از این بدهی و طلب اعلام کرده‌اند. علیرضا دبیر در آخرین گزارش خود در شورای شهر تهران گفت: «دیون شهرداری تهران به پیمانکاران (اشخاص حقیقی و حقوقی)، پنج‌هزارو ۱۸۲ میلیارد تومان و دیون حاصل از تملک هزارو ۷۱۳ میلیارد تومان بوده است. همچنین ۴۸۱ میلیون تومان سپرده حسن انجام کار و سپرده تأمین اجتماعی هزارو ۱۳۸ میلیارد تومان بوده و میزان بدهی به مؤسسه‌ها و بانک‌ها نیز ۱۱هزارو ۹۸۱ میلیارد تومان بوده است که این مبلغ در مجموع ۲۰هزارو ۴۹۵ میلیارد تومان می‌شود. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران در دوره چهارم، در ادامه به مطالبات شهرداری تهران از مؤسسه‌های دولتی اشاره کرد و گفت: مجموع مطالبات شهرداری از دولت‌های گذشته، تاکنون در مجموع حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان است. مهدی چمران هم در چند گفت‌وگو به شکلی تقریبی، مبلغ بدهی دولت به شهرداری تهران را ۱۴ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود؛ اما در همین دوره، پرویز سروری، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران در دوره قبل، از پرداخت‌نشدن بدهی ۱۸هزارمیلیاردتومانی دولت به شهرداری صحبت کرد.به گزارش «شرق»، نمی‌توان کم‌کاری دولت‌های قبل درباره پرداخت سهم تهران در حوزه‌های مختلف کاری و همراهی‌نکردن دولت‌ها در اجرای وظایف محوله را نادیده گرفت و هرچقدر دولت جدید درباره این همکاری و حسن‌نیت خود گام بردارد، در واقع فاصله و خلأهای قبلی را پر می‌کند؛ اما در این میان، هنوز مشخص نیست باید به تأکید مطلق شهردار سابق تهران که گفت «حتی یک ریال هم پرداخت نشده»، استناد کرد یا اظهارات مقامات دولتی که هر کدام اعداد مختلفی از رقم پرداختی دولت اعلام می‌کنند. محمدعلی نجفی پس از جلسه هفته گذشته خود در هیئت دولت، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری را رفع همین ابهام‌ها درباره بدهی و طلب بین دولت و شهرداری تهران اعلام کرد و گفت امیدوار است در جلساتی مشترک با وزیر اقتصاد و دارایی، این موضوع حل‌وفصل شود. به هر روی، حالا دیگر شهردار تهران حداقل یک روز در هفته، فرصت تعامل رودررو را با دولت دارد و می‌تواند بسیاری از این اختلافات را که روی هم تلنبار شده، به شکلی پایه‌ای حل کند تا تهران آن روی خوش تعامل با دولت را هم ببیند.

خبر

توقف تولید و توزیع «صندوق‌های صدقات خانگی»

• **ایسنا:** معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد از توقف تولید و توزیع صندوق صدقات خانگی خبر داد و گفت: صندوق صدقات معابر نیز دیگر توسعه نخواهد یافت و در مقابل آن صندوق صدقات اماکن را توسعه خواهیم داد تا این صندوق‌ها را از خیابان‌ها جمع‌آوری کنیم و به سمت اماکن ببریم. علی‌محمد ذوالفقاری در نشست خبری که در آستانه «جشن عاطفه‌ها» در محل کمیته امداد امام خمینی(ره) برگزار شد، گفت: نیکوکاران در سال گذشته حدود ۵۳ میلیارد تومان جهت حمایت از دانش‌آموزان به جشن عاطفه‌ها کمک کردند. وی در ادامه رقم کل مشارکت‌های مردمی به کمیته امداد در سال گذشته را ۶۵۰ میلیارد تومان اعلام کرد.

ادامه از صفحه ۱۶

مردان بدون زنان

در شرایطی که نه در سمت وزارت از آنها استفاده می‌شود، نه هیچ استانداری از میان آنان برگزیده می‌شود و برای صدور حکم فرمانداری برای زنان نیز محدودیت‌های پرشماری وجود دارد و حتی در جایی مانند شهرداری نیز که امکان استفاده از توان مدیریتی و دانش و تجربه و سلیقه زنان است از آنان استفاده نمی‌شود، چه زمانی قرار است از پتانسیل زنان در رده‌های مدیریتی استفاده شود؟

این در شرایطی است که در روزهای اخیر از گوشه‌وکنار کشور و حتی از استان‌هایی که پسوند محرومیت به نام آنها سنجاق شده است، خبرهای زیادی از انتخاب زنان به‌عنوان رئیس شورا، دهیار، شهردار یا بخشدار منتشر شده است، اما در جایی مانند تهران هنوز هیچ خبری در این زمینه نیست.

البته پایتخت ۲۲ منطقه دارد و طبیعتا شهردار باید برای ۲۲ نفر حکم شهرداری منطقه صادر کند. تا این لحظه احکام شش نفر صادر شده است، باید منتظر ماند و دید آیا در روزهای آتی برای این مناطق از بین زنان کسی برگزیده می‌شود یا خیر.

ماجرای انتخاب‌نکردن مدیر و شهردار زن برای شهری مانند تهران در شرایطی رخ می‌دهد که کمتر از یک سال پیش محمدباقر قالیباف با صدور حکمی نرگس معدنی‌پور را به‌عنوان شهردار منطقه ۱۳ تهران برگزید. او اولین زنی بود که قالیباف حکم شهرداری منطقه را برایش صادر کرد.

بر اساس آمارها و اظهارنظرهای رسمی مسئولان، بخش عمده بدنه حامی و رأی‌دهندگان به لیست امید در تهران و دیگر شهرهای بزرگ، زنان و جوانان بوده‌اند و طبیعتا بخشی از انتظارات و خواسته‌های آنها انتخاب مدیرانی از جنس خودشان برای مدیریت شهری است. بااین‌حال تا اینجای کار هنوز از تحقق این انتظار برای بدنه حامی جریان اصلاح‌طلبی که با رأی خود مدیریت شهری کنونی را برگزیدند خبری نشده است.

نوبت دوم

آگهی تجدید مزایده عمومی ۹۶/۷۰۰/۲۳۹۲

شماره مجوز ۱۳۹۶.۲۶۱۲

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران - منطقه مرکزی در نظردارد اجناس ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند . شرکت کنندگان می توانند تا ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم به استثناء روزهای پنج شنبه و جمعه در ساعات اداری ، پس از واریز مبلغ ۳۰۰.۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۴۰۰۰۹۳۱۹۵ شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه مرکزی به همراه فیش واریزی و معرفی نامه معتبر و ارائه درخواست کتبی حضورا جهت بازدید ،خرید و دریافت اسناد و مدارک مزایده به نشانی اراک -خیابان پانزده خرداد- روبروی سیلو -شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه مرکزی- دفتر امور قراردادها مراجعه نمایند.

شرایط و مدارک:

۱ - ارائه کد اقتصادی و شناسه ملی جهت اشخاص حقوقی

۲ - ارائه کد ملی جهت اشخاص حقیقی

۳ -ارائه فیش واریزی به مبلغ ۲۲۷.۰۰۰.۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت فرآیند ارجاع کار به حساب شماره ۱۴۰۰۰۹۳۱۹۵ و یا ارائه ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق از ضمانت نامه های مندرج در بندهای الف ، پ ، ج ، چ ،ح ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیئت محترم وزیران

۴ - ارائه ضمانت نامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ کل مبلغ پیشنهادی برنده مزایده

۵ - پیشنهادهای واصله در محل کمیسیون مناقصات به آدرس تهران -خیابان سپهبد قرنی - نرسیده به چهارراه سپند -پلاک ۱۸۸ -طبقه هشتم روز شنبه مورخ ۹۶/۸/۶ ساعت ۱۵:۳۰ با ارسال دعوتنامه قبلی جهت حضور، بازگشایی خواهد شد.

تجهیزات مازاد و از رده خارج پست برق از رده خارج ۶۳kv ازنا شامل اجزای زیر:

ردیف	اجزاء و قسمتها	تعداد	ردیف	اجزاء و قسمتها	تعداد
۱	ترانسفورماتور kv ۶۳/۶	۲	۹	لاین تراپ سر خط ۶۳kv	۱
۲	کلید سکسیونر ۶۳kv	۶	۱۰	فیدر ۶kv	۲
۳	کلید قدرت ۶۳kv	۴	۱۱	انواع مقرره ۶۳kv	۱۸
۴	مقاومت زمین ترانس kv ۶۳/۶	۲	۱۲	انواع مقرره ایزیلاتور ۶kv و ۶۳	۴۴
۵	تابلو سیمبیک پست kv ۶۳/۶	۱	۱۳	تابلو رگولاتور و بانک خازنی	۱
۶	تابلو حفاظت و اندازه گیری ۶۳	۲	۱۴	باتری شارژ ۴۸ ولت	۱
۷	CT سرخط ۶۳kv	۴	۱۵	باتری شارژ ۱۲۷ ولت	۱
۸	PT سرخط ۶۳kv	۶			

یادآوری : تجهیزات مازاد مربوط به پست برق ازنا به صورت یکجا بوده و پیشنهاد دهنده تنها یک قیمت پیشنهاد می نماید

۱- مدت اجرا ۶۰ روز - محل : مرکز انتقال نفت ازنا (شهر ازنا) با نظارت واحد تدارکات

ضمنا متقاضیان شرکت در مزایده میتوانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴ تا ۳۳۶۷۲۰۰۲-۰۸۶ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی